

نگاهی روانشناسانه به تجاوزات جنسی (۱)

اخبار و گزارشاتی که به نقل از زندانیان آزاد شده از زندانهای جمهوری اسلامی در سطح وسیعی پخش شده حاکی از تجاوز سیستماتیک و مستمر جنسی به این زندانیان است. نگارنده تلاش می کند طی چند نوشتار، تصویری عمومی از تأثیرات روانی این نوع از شکنجه بر قربانیان را ارائه دهد.

بر اساس نظریه روانشناسی شناختی(۱)، انسان برای پیشبرد یک زندگی نرمال نیازمند یکسری پیش شرط ها و تصورات پایه ای می باشد که بر سه فرضیه پایه ای: خیر خواه بودن دنیای پیرامون، داشتن یک تصویر مثبت از خویش و قابل فهم بودن حوادث، استوار است.

با حرکت از این نظریه و با نگاهی به فضای ایجاد شده در کارزار انتخاباتی اخیر، می بینیم که سه عامل فوق در زندگی روزمره فعالین کمپین های انتخاباتی حضور داشت که به زندگی ناهنجار قبل از این دوره وضعیتی نسبتا با ثبات می بخشید. اما حوادثی که بعد از انتخابات و بعد از فضای ذکر شده اتفاق افتاد غافلگیرکننده و دور از انتظار بسیاری از جوانانی که در این صحنه ها حضور داشتند بود. این جوانان آمادگی ذهنی و انتظار رو یارویی با این همه خشونت عریان و بی دلیل را نداشتند. بنابراین، دستگیری ها، شکنجه ها، قهر سازمان یافته و تجاوز سیستماتیک جنسی که در زندان ها بکار برده شد دور از ذهن و تصور آنها بود و به همین میزان ضربه روحی ناشی از آن نیز سهمگین تر و آسیب زننده تر شد.

در تجاوز جنسی، جسم، روح و درونی ترین لایه های وجودی فرد مورد تعرض قرار گرفته و اولین تأثیر روحی آن بر فرد، از دست دادن کنترل و قابلیت فکر کردن است. تجاوز جنسی به مثابه هجوم به محرمانه ترین حریم زندگی خصوصی فرد یک بحران روحی شدید ایجاد می کند. این بحران چهار مرحله کیفی متفاوت دارد که در زیر مورد بررسی قرار می گیرند. بحران های روحی عموما و بحران ناشی از تجاوز جنسی به طور خاص از مرحله ای به نام عارضه استرس اورژانس عبور می کند. نشانه های این عارضه، کابوس های ممتد و مستمر، احساس عدم حضور در زمان و مکان، عدم درک وجود فیزیکی خویش (تو گوئی که فرد در عالم خیال بسر می برد) و بی تفاوتی به محیط پیرامون است.

اگر این عوارض به مدت یک ماه و روزانه ادامه یابند به یک بیماری

پیچیده به نام پی تی اس دی Post traumatic stress disorder منجر می شود. قبل از ورود به بیماری پی تی اس دی اجازه بدهید نگاهی اجمالی به مراحل مختلف یک بحران روحی داشته باشیم. هر بحران چهار فاز مختلف دارد:

۱. فاز شوک روحی یا شگفت زدگی ماکزیمم

این مرحله بین چند ساعت تا دو روز است. بعضی ها فریاد می زنند، یا خودشان را به افراد پیرامون می چسبانند در حالی که برخی دیگر ظاهرا آرام هستند اما در درونشان ناهنجاری روحی کامل در جریان است. افراد شوک زده به ندرت از آنچه که بر سرشان آمده سر در می آورند و بیان قابل فهم حادثه برای شان به مراتب مشکل تر است. در این مرحله تصویر کلی حادثه به شکل یک قاب عکس شکسته متشکل از اجزاء ریز ودرشتی است که باز سازی آن به شکل یک کلیت سازگار برای قربانی غیرممکن است.

۲. فاز سوگواری یا واکنش عاطفی

واکنش عاطفی فرد به آسیب زمانی آغاز می شود که فهم منطقی آن میسر می شود. این مرحله بسیار سخت و انرژی گیر است و تأثیرات دوگانه فیزیکی - روحی دارد. گذشته از ترس، اضطراب و اختلال خواب، فرآیندهای فیزیولوژیکی مانند کاهش یا افزایش اشتها، فشار خون و ضربان قلب هم تحت تأثیر قرار می گیرد.

واکنش های قربانی در فاز دوم می تواند به دو گونه متفاوت باشد.

الف- متوجه بیرون و محیط پیرامون شود. در آن صورت رفتار فرد حشن و توأم با عصبانیت خواهد بود.

ب- متوجه درون باشد که به خودآزاری (ماژوخیزم)، خودخوری و یا آسیب زدن به خود و در بدترین حالت به خودکشی منجر شود. صرف نظر از این که واکنش فرد درونی است یا بیرونی تلاش او برای مهار کردن احساس نفرت و انتقام ناشی از تجاوزی است که به حریم شخصی او شده است. اساس تسخیر شدن و زیر پا له شدن موجی از احساس سرافکنندگی در فرد ایجاد می کند که در کنار احساس خشم و عصبانیت بر جسم و جان او سنگینی می کند. اگر قربانی نتواند از این مرحله عبور کند می تواند به عوارض ثانوی ناشی از بحران مثلا افسردگی و یا در موارد شدید به سایکوز مبتلا شود. (۲)

این فاز می تواند تا دو ماه طول بکشد و در ترکیب با فاز اول مجموعا بحران اورژانس نامیده می شود.

۳. فاز بازنگری و مدیریت

این فاز می تواند تا یک سال تداوم داشته باشد. تطبیق با شرایط

جدید همزمان با کمتر شدن علائم فازهای گذشته و در نتیجه آزاد شدن انرژی آغاز می شود. فرد به یک ثبات روحی دست می یابد. او با تحت کنترل در آوردن دردها و آزار روحی ناشی از ضربه به سمت کار و تولید فکری و فیزیکی روی می آورد و زندگی به تدریج روال عادی خود را باز می یابد. در اینجا مجموعه امکانات مادی و معنوی فرد از تنش و تخریب به کار به ثبات و سازندگی سوق داده می شود.

۴. فاز عبور از بحران و جهت گیری جدید
این فاز از یک پروسه مداوم با مدت زمان نامحدود تشکیل می شود. قربانی موفق به بازنگری و ترمیم آسیب شده از بحران عبور کرده و با افزایش اعتماد به نفس از آن بیرون می آید. گفته می شود (و تحقیقات روانشناسانه هم این نظریه را تأیید می کند) که هرگاه فرد از بحران به سلامت عبور کند با کسب تجربیات بی نظیر رشد نموده و به لحاظ استحکام روحی در قیاس با دوره قبل از آسیب ورزیده تر است.

(ادامه دارد)

ژیلا افتخاری - روانشناس

سوئد - ۱۶ اوت ۲۰۰۹

www.zhilanevesht.blogspot.com

.....
توضیحات:

۱- Cognitive psychology

۲- برای توضیحات بیشتر به مبحث بیماری پی تی اس دی در بخش دوم این نوشتار مراجعه کنید.

سبز را پرچم نکنیم!

منیره برادران- نسیم خاکسار - اصغر ایزدی

ما هم مایل بودیم نامه را امضا کنیم و ناممان را به نشانی ئی که برای جمع آوری امضاها در نظر گرفته شده است، ارسال کرده ایم. اما حال با نوشته آقای گنجی، که نماد کمپین این بیانیه را «سبز سبز»

می داند، بیم آن داریم که این رنگ، تابلوی ورود ممنوع برای ما و امثال مائی باشد که خود را با نماد سبزی، که در آن حاکمیت دیدگاه خاصی که به خط قرمزها پایبند است، تعریف نمی کنیم ...

آقای اکبر گنجی در شماره ۶ سلسله مقالات «چه باید کرد؟»، برای بیانیه خطاب به کمیسیاریای عالی حقوق بشر که در آن محاکمه سران جمهوری اسلامی و جلوگیری از ورود احمدی نژاد به سازمان ملل خواسته شده، نماد سبز را تعیین کرده و نوشته اند: «از همین لحظه به طور شفاف و به صراحت تمام اعلام می کنیم: اول- شعار کمپین "جنایت علیه بشریت" به شرح زیر است:

جنگ نه؛ تحریم اقتصادی نه؛ محاکمه ی سران رژیم به جرم "جنایت علیه بشریت" آری.

دوم- نماد کمپین "جنایت علیه بشریت"، سبز سبز است و ما هیچ پرچمی، جز نماد سبز بالا نخواهیم برد.

سوم- تمامی افرادی با این شعارها موافقند، می توانند در این کمپین شرکت کنند.»

در حالی که پیشتر در توضیح برنامه این بیانیه، که برای امضاهای گسترده در سایتهای مختلف قرار گرفته، آمده بود: «این برنامه وابسته به هیچ گروه و حزبی نیست. پرچم هیچ حزب و گروه و دسته ای را هم بالا نخواهیم برد. هر ایرانی، فارغ از تعلقات دینی، سیاسی و جنسیتی، می تواند این بیانیه را امضا کند.»

ما هم مایل بودیم آن را امضا کنیم و ناممان را به نشانی ئی که برای جمع آوری امضاها در نظر گرفته شده است، ارسال کرده ایم. اما حال با نوشته آقای گنجی، که نماد کمپین این بیانیه را «سبز سبز» می داند، بیم آن داریم که این رنگ، تابلوی ورود ممنوع برای ما و امثال مائی باشد که خود را با نماد سبزی، که در آن حاکمیت دیدگاه خاصی که به خط قرمزها پایبند است، تعریف نمی کنیم. ما مخالف سبز نیستم ولی نمی دانیم آیا این رنگ، نماد پذیرش تنوع و کثرت در جنبش است و خواهد ماند؟

سبز نماد جنبش عمومی یا نماد دیدگاهی خاص در راس آن؟ ابتدا رنگ کمپین آقای میرحسین موسوی بود اما بعد از تقلب انتخاباتی مفتضحانه تبدیل به سمبلی برای مقاومت در برابر دروغ و اعتراض به استبداد شد. این رنگ در عین حال نماد همبستگی هم است. چه علامتی بهتر و عملی تر از مچ بند سبز برای ابراز همبستگی با مبارزات هموطنان خویش در یک عرصه جهانی؟ مچ بند سبز فوتبالیستهای شجاع ایرانی هنگام شرکت در مسابقات جهانی در کره جنوبی چه درخشش

زیبائی در قلب مردم مان و نیز در جهان داشت. و یا چه نمادی روشنتر از پرچمی سبز بر سردر عمارت شهرداری فلورانس در کنار پرچم این شهر می توانست بیان همبستگی مردم فلورانس با مردم ایران باشد؟

با تشدید سرکوب و فشار بر معترضین در ایران، از نمایش رنگ سبز و پلاکاردها در خیابانها که با خطر باتوم، دستگیری و حتی مرگ مواجه است، کاسته شده و به جایش فریادها رساتر شده اند: فریادهای شبانه بر پشت بامها و فریادهای آمیخته در صفیر گلوله در روشنای روزها. صداها گاه آگاهانه خاموشی برمی گزینند تا سکوت، صدای اعتراض باشد. «مادران عزادار» در راهپیمائیهای غروب روزهای شنبه لباس سیاه و سکوت را برای بیان اعتراض شان مناسب یافته اند.

با این همه، سبز همچنان جنبه نمادینی در جنبش اعتراضی دارد. آیا این سبز همان سبزی است و خواهد ماند که از فردای ۲۲ خرداد با شعار «رای من کو» شروع شد؟ گرچه این شعار روشنترین نماد اعتراض به ربودن آرا و همچنین خواستار حق شهروندی بود، در روند خود و در پی سرکوب بیرحمانه رژیم، اما، گسترش معنایی پیدا کرد و شعارهای دیگری به میدان آمد. به شعارهای نفی احمدی نژاد، صداهای دیگری چون «مرگ بر دیکتاتور» که ولایت فقیه را نشانه گرفته، «جمهوری ایرانی» و آزادی زندانی سیاسی، که امروز اولویت بیشتری یافته، افزوده شده است. در درون جنبش همگانی و به ویژه بین زنان فعال شاهد گرایشاتی هستیم که اعتراضها را تک خواسته ای نمی خواهند و میل به تنوع صدائی دارند. در عین حال اما، در میان بالائی های همسو با سبز، آقای موسوی بر نظام جمهوری اسلامی و قوانین آن پافشاری می کند و عده ای بر جنایتهای گذشته رژیم و به ویژه جنایتهای دهه ۶۰ سرپوش می گذارند. سبز طیف است و با سایه روشن تفاوتها، که سرشت و طبیعت همراهی های متنوع و رنگارنگ است.

تنوع صداها از طبیعت هر جنبش همگانی برمی خیزد و ما نمی دانیم آیا نماد سبز این توانائی را دارد که این گوناگونیها و رنگین کمانها را دربرگیرد؟ یا اینکه تصمیم دارد خود را به تفکر و برنامه خاصی محدود کند؟ در کشورمان که حکومت نظامی با خشونت کم سابقه ای به قلع و قمع هر چه رنگارنگ و «دیگری» است، برآمده و فضائی برای گفتمان آزاد وجود ندارد، پاسخ این سوال روشن نیست.

ما مخالف سبز نیستیم ولی می بینیم که در تظاهراتهای خارج از کشور عده ای آگاهانه رنگ سبز را به نفع اشخاص و دیدگاه های خاصی مصادره کرده و از دیگران تنها حضوری هم رنگ و مطیع می خواهند. شاهد هستیم که رنگ سبز از جنبه نمادین جنبش همگانی خارج شده و بطور آشکاری رنگ ستادها را به خود می گیرد. این دموکراسی نیست که

بگوئیم هرکسی با رنگ و پرچم خود و صفها جدا. این شاید آسان ترین راه باشد اما درست ترین نیست. شکاف در نمایش اعتراض مان، نه تنها ما را تحلیل می برد، بلکه گفتگو و مبادله نظری را از ما می گیرد. متأسفانه اغلب ما به عوض توجه به نقطه‌های پیوندمان و به عوض بحث و نقد خود و دیگری، از همان ابتدا مرز و دیوار می کشیم. شاید این عارضه تاریخی کشوری، چون ایران باشد که در آن دیوارها همیشه زنده و حاضر بوده اند، نه تنها دیوارهای بلند زندانها، که دیوارهای بلند بین مسلمان و غیرمسلمان، زن و مرد، محرم و نامحرم، نجس و پاک و غیره. آیا همین دیوارها باعث نشده که رنج و بیدادهائی که در طول تاریخ همین جمهوری اسلامی بر دگر اندیشان این جامعه رفته است تا سالها به چشم دیگرانی چون خود شما، آقای گنجی، نیاید؟ آیا این دیوارها درهای عاطفه ما را که جوشیده از تجربه های مشترک با هم بودن و دیدن همدیگر است و باید در چنین روزهای گشوده بماند، بسته نخواهد گذاشت؟

جنبشهای اجتماعی باید عرصه ای برای تامل و یادگیری باشد. ما همچنین مخالف دیدگاه های دگم و افراطی هستیم که برای اثبات خویش چیزی جز تخریب دیگری نمی شناسند.

آقای گنجی، چرا با «سبز» کردن بیانیه خطاب به کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، پیش شرطی را برای ورود به آن قرار می دهید، که در اصل متن وجود ندارد؟ آیا آن ۵۹ نفری هم که نامشان جزو اولین امضاکنندگان این بیانیه است، چون شما بر این نظرنند که «نماد کمپین "جنایت علیه بشریت"، سبز سبز است و ما هیچ پرچمی، جز نماد سبز بالا نخواهیم برد.»؟ پاسخ اگر آری است، پس چرا آن را در بیانیه نگنجانده اند. و اگر جواب منفی است، مگر کسی از این جمع امضاکنندگان، حتی اگر خود شما آن متن را نوشته باشید، می تواند بعد از انتشار و خارج از متن بیانیه، شرط ورود به آن اضافه کند؟ ما در حرکت اعتراضی مردم کشورمان سهیم هستیم ولی نه در درون سبز و نه رودررو با آن. معتقدیم که زمانی قادر خواهیم بود دموکراسی و تحمل دیگری را در کشورمان تحقق بخشیم که ارزشهای آن را از همین امروز با نقد آگاهانه خود و دیگری راهنمای حرکتمان قرار دهیم.

عفو بین‌الملل خواستار بررسی شکنجه و تجاوز جنسی در زندان‌های ایران شد

یکشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۸۸ - ۱۶ اوت ۲۰۰۹

منبع: دویچه وله

ایرانه خان، دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل روز ۱۵ اوت گفت که از علی خامنه‌ای رهبر مذهبی ایران خواسته است، هر چه سریع‌تر از یک هیئت کارشناسی مستقل بین‌المللی دعوت کند تا به موضوع شکنجه در زندان‌های جمهوری اسلامی رسیدگی کند.

ایرانه خان افزود که گزارش‌های واصله از ایران حاکی از آن است که هم مردان و هم زنان در زندان‌های ایران مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و به شیوه‌های دیگر شکنجه شده‌اند. به گفته‌ی وی، در مواردی این شکنجه‌ها به مرگ زندانیان منجر گردیده است.

«افراطی‌ترین شیوه‌های تحقیر زندانیان»

دبیر کل عفو بین‌الملل گفت: «اشکال بدرفتاری‌های توصیف شده حاکی از آن است که قربانیان به افراطی‌ترین شیوه‌ها تحقیر شده‌اند و چنانچه این اتهامات درست باشند، مسئولان باید بی‌درنگ پاسخگو باشند».

علی لاریجانی، رییس مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) گفت که در تحقیقات مجلس، نشانه‌ای دال بر شکنجه‌ی زندانیان و تجاوز جنسی به آنان دیده نشده است. این در حالی بود که چند روز پیش از آن، علی خامنه‌ای رهبر مذهبی ایران دستور داده بود بازداشتگاه کهریزک تعطیل شود. فرمانده نیروی انتظامی می‌گوید، رییس این بازداشتگاه و چند تن از نگهبانان آن به دلیل بدرفتاری با زندانیان اخراج شده‌اند.

ایرانه خان خاطر نشان ساخت که اظهارات لاریجانی در تکذیب این موضوع زمانی معتبر است که جزییات بررسی‌هایی که وی به آن‌ها استناد کرده و نیز استقلال این بررسی‌ها اعلام شود. خان از لاریجانی خواست جزییات این رویداد را آشکار کند تا جهان بتواند داوری کند که آیا این ادعاها معتبر است، یا فقط تلاشی برای رد انتقادات و لاپوشانی حقیقت.

مهدی کروبوی، یکی از چهار نامزد ریاست‌جمهوری در انتخابات ایران،

در نامه‌ای به هاشمی رفسنجانی نوشته بود که در زندان‌های جمهوری اسلامی هم به دختران و هم به پسران تجاوز جنسی شده است. وی خواستار رسیدگی فوری به این مساله شده بود.

پس از مرگ محسن روح‌الامینی، فرزند یکی از مشاوران نزدیک محسن رضایی، گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد وی در بازداشتگاه به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. در پی آن، علی خامنه‌ای، رهبر مذهبی ایران دستور داد که بازداشتگاه کهریزک بسته شود.

«تکذیب رسمی کافی نیست»

به گفته‌ی ایرنه خان، رهبر مذهبی ایران باید دست به اقدام بزند، آن هم اقدام فوری، تا به این دور خشونت و بدرفتاری‌ها پایان داده شود. تکذیب رسمی کافی نیست و آنچه مورد نیاز است، تحقیقاتی اساسی برای رسیدگی به اتهاماتی نظیر شکنجه، تجاوز جنسی و دیگر بدرفتاری‌ها در زندان‌های جمهوری اسلامی است.

دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل یادآور شده است که اگر هدف جلب اعتماد داخلی و خارجی باشد، رهبر مذهبی ایران باید هیئتی از کارشناسان مستقل بین‌المللی را به ایران دعوت کند تا به این اتهامات رسیدگی کنند.

جمعی از علما و فضلاء حوزه های علمیه قم، اصفهان و مشهد خواهان برکناری آقای خامنه ای شده اند

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تبارك و تعالى: واذا حكمتم بين الناس فاحكموا بالعدل

حضرات آیات و علمای اعلام اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری

سلام علیکم

محترما، با استناد به نهجی که قاطبه علما بر آن وقوف دارند «عدالت» شرط زعامت و امامت است و حتی اگر از امام جماعتی دروغ

واحدی مشاهده شود از عدالت ساقط و اقتدا بدو جایز نیست چه رسد که حق الناسی ولو صغیر برعهده او باشد و ستمی بر یک فرد نماید. رهبر فقید انقلاب حضرت آیت اله العظمی امام خمینی می فرمایند: «عالم و عادل بودن از خصال ضروری ولایت فقیه است و فقیه اگر دیکتاتوری کند خودبخود معزول است».

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و اکابر علمای صدر انقلاب برای اینکه مانع ظهور مجدد دیکتاتوری آنهم تحت لوای دین شوند مجلس خبرگان رهبری را پیش بینی کردند اما در دوره رهبری [آیت اله] آقای خامنه ای با وضع نظارت استصوابی به نحوی عمل شد که نمایندگان مجلس خبرگان عملاً منتخب فقهای شورای نگهبان باشند که فقهای این شورا هم منصوب رهبرند و به عبارت اخری، نمایندگان خبرگان رهبری که باید بر رهبری نظارت کرده و مانع توسل او به زور و دیکتاتوری شوند خود در یک انتخاب دو درجه ای منصوب رهبری هستند و به این وسیله ولایت فقیه، میراث امام راحل را که برای مانع شدن از دیکتاتوری بود به خلافت و سلطنت روحانی مبدل کردند.

بخاطر تجربه تلخ دیکتاتوری زمان شاه، خبرگان قانون اساسی تصمیم گرفتند نیروهای مسلح و تلویزیون را که وسیله اصلی سرکوب است و هر کس آنها را داشته باشد قدرت اصلی را در دست دارد از چنگ قوای سه گانه بیرون آورند تا هیچیک نتواند بر دیگری فائق شود و دیکتاتوری به وجود آورد و مجلس خبرگان رهبری را هم قرار دادند تا از جانب ملت بر رهبری نظارت کند که خود او از این قدرت برای دیکتاتوری استفاده نکند اما آقای خامنه ای سپاه را به گارد شخصی خود و رادیو و تلویزیون را به مبلغ و مدافع خود و آلات قدرت ملت را به آلات شخصی خود بدل کرده است. در سازمان عظیم رادیو و تلویزیون نه تنها مردم بلکه شخصیت های انقلاب و نظام که اندکی با مواضع ایشان زاویه دارند امکان حضور و بحث و نقد ندارند و وسایل قدرت را به وسیله سرکوب منتقدان خود تبدیل کرده اند.

در سنوات ماضیه کثیراً شاهد ارتکاب ظلم های فاحش و موحش، با نظارت و اطلاع مقام رهبری و امر یا سکوت ایشان نسبت به این امور بوده ایم. از حبس و حصر مراجع متعدد تقلید گرفته تا پادگانی کردن حوزه علمیه قم و سایر حوزه ها که افتخارشان در طول تاریخ، استقلال از حکومت بوده است و بازگذاشتن دست ایادی وابسته به قدرت برای تطاول به حیثیت و امنیت علما و مدارس، و اینکه در سا لهای اخیر روزی نیست که خبر توقیف روزنامه ای یا دستگیری و آزار منتقدانی منتشر نشود. رهبر جمهوری اسلامی بخاطر بیماری "دیگر هراسی" (که فراتر از بیماری "بیگانه هراسی" است و هرکسی را که تابع او نباشد دشمن می پندارد) در هر سخنرانی بیش از همه چیز از "دشمن خارجی"

می گوید و تمام دستگاههای امنیتی و تبلیغاتی را به سوی کشف دشمن در همه جا و همه چیز سوق داده است و همه انتقادات را با سلاح انتساب به «دشمن» می کوبد.

چنان دیکتاتوری حاکم شده است که ما نیز به عنوان مدافعان حریم شریعت و دیانت با وجود اینکه با کثیری از شما حضرات موافقت داریم اما ناچار از تقیه هستیم اما این تقیه دائمی نخواهد بود و این شکایت اگر رسیدگی نشود آخرین خواهد بود.

در این شکایت از بیان مدلل صدها مصداق ستم ها و دروغ ها و امر به منکر ها و نهی از معروف ها صرفنظر کرده و به جدید ترین مصداق های متأخر اکتفا می کنیم که دستاورد آن بازداشت هزاران شهروند و مجروح شدن صدها تن که بعضا آثار آن تا سالیان متمادی خواهد ماند و شهادت دهها تن از مردم بیگناه و زندانی کردن دهها تن از شخصیت های برجسته سیاسی و علمی کشور که در انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی نقش موثری داشته اند بوده است. امید داریم با رسیدگی مجلس خبرگان به مرحله بیان کارنامه گذشته نرسیم که خداوند متعال می فرماید «ولاینال عهدی الظالمین».

منع خشونت آمیز حق برگزاری اجتماعات

برگزاری اجتماعات حق قانونی و شرعی است. وفق اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است». خبرگان قانون اساسی در هنگام وضع این قانون تصریح کرده اند که دولت فقط باید از راهپیمایی ها اطلاع قبلی داشته باشد و موظف است امنیت راهپیمایی ها را حفظ کند و پیشنهاد توطئه آمیز نبودن راهپیمایی به بحث گذاشته می شود اما به دلیل اینکه احتمال دادند بهانه ای برای سوء استفاده و جلوگیری از حق تظاهرات مردم گردد با آن مخالف شد و رای نیاورد (جلد اول، صص ۶۸۳ تا ۶۸۵ و ۷۱۰ تا ۷۲۱ و جلد ۳ صص ۱۷۶۰ تا ۱۷۶۱)

خداوند متعال در آیه شریفه «لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم» حتی فریاد زدن را در خصوص کسی که مورد ظلم واقع شده جایز می داند چه رسد که این ظلم به آرای یک ملت و به نظامی اسلامی باشد. ما مجاز نیستیم مشروعیت نظام جمهوری اسلامی را قربانی مشروعیت انتخاب شخصی کنیم که با روش های نادرست و غیر قانونی و شرعی می خواهد سکان دولت را در دست بگیرد.

اجازه خشونت و کشتار مردم توسط [آیت الله] آقای خامنه ای رسانه های انحصاری دولتی می کوشند به مردم نجیب و مسالمتجوی ما

تهمت اغتشاشگری بزنند اما دو راهپیمایی در روزهای دوشنبه ۲۵ خرداد و چهارشنبه ۲۷ خرداد خط بطلانی است بر این اتهامات. هر بار جمعیتی بیش از یک میلیون نفر دست به راهپیمایی زدند و در این جمعیت عظیم که مسیری چندکیلومتری را طی کرد حتی یک شیشه شکسته نشد، یک شعار سر داده نشد و خونی از بینی کسی بیرون نیامد. این دو حرکت باشکوه نشان داد که مردم فقط به انتخاباتی متقلبانانه اعتراض دارند و نظام و اسلام و پلیس و سپاه و بسیج را از خودشان می‌دانند اما متأسفانه در پی سخنان تند مقام رهبری در نماز جمعه ۲۹ خرداد ۸۸ بود که روز شنبه از سحرگاهان با گسیل ده‌ها هزار نیروی امنیتی و لباس شخصی که بعضاً از نقاط دیگر آورده شده بودند شهر بزرگ تهران را بدون اعلام رسمی تبدیل به حکومت نظامی کردند و همان مردم مسالمت‌جو را که برای تکرار راهپیمایی آرام خود در مسیر انقلاب تا آزادی آمده بودند مورد حمله قرار دادند و برای جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه تجمع به محض اینکه چند نفر را با همدیگر می‌دیدند با باتوم مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند و با این رفتار تحریک‌آمیز و تحقیرکننده خود موجب واکنش مردم شدند. صدها نفر را زخمی و بازداشت کرده یا به شهادت رساندند هم آنان را اغتشاشگر نامیدند.

مسوولانی که با تدارک این تحریک‌ها زمینه‌ساز حوادث خونین شنبه شدند باید پاسخگو باشند و با ضرب و زور رادیو و تلویزیون و زندان نمی‌توان جای شاک و متهم را عوض کرد.

در خطبه‌های نماز جمعه آیت الله خامنه‌ای (۲۹ خرداد ۱۳۸۸) آمده است: «در داخل کشور هم عوامل این عناصر خارجی به کار افتادند و خط تخریب خیابانی شروع شد؛ خط تخریب، خط آتش سوزی، اموال عمومی را آتش بزنند، حریم کسب و کار مردم را ناامن کنند، شیشه‌های دکان مردم را بشکنند، اموال بعضی از مغازه‌ها را به غارت ببرند، امنیت مردم را از جان‌شان و مالشان سلب کنند؛ امنیت مردم مورد تجاوز اینها قرار گرفت. این ربطی به مردم و طرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست نشانگان سرویس‌های جاسوسی غربی و صهیونیست است.»

«من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آنوقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده آنهاست... این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست می‌کنند و مسئولین نظام را مجبور می‌کنند، وادار می‌کنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیرقانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه

محاسبه است؛ این محاسبه غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت.»

این شیوه برخورد تهدید آمیز با کسانی بود که خواسته روشنی داشتند و می گفتند کار ساده ای مانند تطبیق کدملی رای دهندگان ثبت شده در دسته های تعرفه های رأی با کدملی موجود در رایانه سازمان ثبت احوال انجام گردد اما با جار و جنجال و پیشنهاد های اغوا کننده ای مانند شمارش ده درصد صندوق هایی که سه هفته بود نزد وزارت کشور بود و هر کاری می خواستند با آن کرده اند افکار عمومی را از پیشنهادات اصلاح طلبان منحرف می کردند و به خشونت ها ادامه می دادند.

تهدید به خشونت و مقابله:

برای تحریک احساسات حامیان خود و نشان دادن اینکه برای مقابله با معترضان (نه شنیدن حرف آنان و داوری بیطرفانه) تا پای جان ایستاده است خطبه ها با سخنان زیر تمام شد «یک خطاب آخری هم عرض کنم به مولامان و صاحبمان، حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه): ای سید ما! ای مولای ما! ما آنچه باید بکنیم، انجام میدهیم؛ آنچه باید هم گفت، هم گفتیم و خواهیم گفت. من جان ناقبلی دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این را هم خود شما به ما دادید؟ همه اینها را من کف دست گرفتم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهم کرد؛ اینها هم نثار شما باشد. سید ما، مولای ما، دعا کن برای ما؛ صاحب ما توئی؛ صاحب این کشور توئی، صاحب این انقلاب توئی، پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما» (کیهان چهارشنبه ۳ تیر ۱۳۸۸ - شماره ۱۹۳۹۴)

«اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهایی که رأی نیاورند، اردو کشی خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهایی که رأی آورده اند هم، در جواب آنها، اردو کشی کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما می خواهیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف یک جور، این طرف یک جور. برای نفوذی تروریست- آن کسی که می خواهد ضربه تروریستی بزند- مسئله او مسئله سیاسی نیست؛ برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که می خواهند راهپیمایی کنند یا تجمع

کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آنوقت مسئولیتش با کیست؟ الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده خواهد شد- تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند- که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. محاسبه این واکنشها با کیست؟»

قانون ستیزی رهبر در انتخابات، ریشه اصلی درگیریها و خونریزیها:

[آیت الله] آقای خامنه ای در خطبه های نماز جمعه گفتند: «قانون فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه اختلافها سرصندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوقهای رأی معلوم شود که مردم چی می خواهند، چی نمی خواهند؛ نه در کف خیابانها» اما کسی که نخستین گام را برای قانون شکنی برداشت و موجب شد نامزدها و مردم مطمئن شوند که اعتراضات و شکایت بی حاصل است و تصمیم به رئیس جمهور شدن احمدی نژاد از قبل اتخاذ شده است شخص رهبری بود.

شاه بیت فرمایشات ایشان در نماز جمعه تاکید بر رعایت قانون بود. سخنی که این روزها بارها در رسانه ملی! از زبان دیگران هم مطرح شده است تا معترضان را قانون شکن جلوه دهند اما اعتراضها فقط و فقط بخاطر این بود که در تمام مراحل انتخابات، قانون شکسته شده است و مدارک و دلایل آن تفصیلاً در اختیار شورای نگهبان قرار گرفت و منتشر هم شد. تاکید بر رعایت قانون مغتنم بود و به همین دلیل این پرسش به وجود می آید که چرا ایشان برخلاف قانون عمل کرد و با ایجاد بی اعتمادی مطلق راه را برای درگیری مفتوح ساخت. طبق ماده ۸۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری، کسانی که از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می توانند ظرف سه روز از تاریخ اخذ رأی شکایت مستند خود را به ناظرین شورای نگهبان یا دبیرخانه این شورا نیز تسلیم دارند. و طبق ماده ۷۹ این قانون نیز مقرر می دارد که شورای نگهبان ظرف یک هفته و در صورت ضرورت حداکثر ده روز پس از دریافت نتیجه انتخابات ریاست جمهوری نظر قطعی خود را نسبت به انتخابات انجام شده به وزارت کشور اعلام و وزارت کشور از طریق رسانه های گروهی نتیجه نهایی را به اطلاع مردم خواهد رساند و پس از آن است که از نظر قانونی می توان فرد منتخب را رئیس جمهور نامید، اما برخلاف نص صریح قانون درست یک روز پس از اعلام نتایج و قبل از رسیدگی شورای نگهبان به اعتراضات و شکایات و صحنه گذاشتن

آن بر انتخابات، مقام محترم رهبری فرمودند "انتخابات ۲۲ خرداد، با هنرنمایی ملت ایران، نصاب تازه‌ئی در سلسله‌ی طولانی انتخابات‌های ملی پدید آورد. مشارکت بیش‌از هشتاد درصدی مردم در پای صندوقها و رأی بیست‌وچهار میلیونی به رئیس‌جمهور منتخب، یک جشن واقعی است." آیا این سخنان تنفیذ زودهنگام نیست؟

در همین خطبه‌ها ضمن اینکه دیگران را از اجتماعات اعتراض‌آمیز که طبق اصل ۲۷ قانون اساسی حق ملت است نهی فرمودند اعلام کردند اگر کسی اعتراضی دارد از مجاری قانونی پیگیری کند اما در همین سخنان تاکید داشتید که نتیجه انتخابات همین است که اعلام شده و امکان تغییر آن وجود ندارد و بدون توجه به انبوه دلایل و مدارک نامزدها درباره اشکالات موجود در انتخابات مجدداً بر ۲۴ میلیون رأی یک نامزد صحنه گذاشتید در حالی که هنوز هم شورای محترم نگهبان نظر قطعی خود را اعلام نکرده است. به عبارت ساده، فرموده‌اند معترضین از طریق قانونی شکایت خود را پیگیری کنند اما مطمئن هم باشند که به جایی نمی‌رسد. بنابراین توصیه ایشان مفهومی جز تسلیم شدن بدون دلیل به نتایج اعلام شده ندارد. اگر فقط یک نفر معترض بود شاید شایبه‌ای در آن القا می‌شد اما هر سه نامزد دیگر و حتی نامزدی که به رئیس‌فعلی دولت تبریک گفته معترض بوده و مدارکی متقنی برای اثبات تقلب ارائه کرده‌اند. ما با کدام حجت شرعی و قانونی مجاز هستیم تسلیم نتایج نادرست اعلام شده شویم.

اشتباه تایید شمار آراء اعلام شده که درست ساعاتی پس از انتخابات صورت گرفت وقتی که تکرار شد نشان داد دیگر یک اشتباه نیست بلکه یک جباریت است زیرا پس از بروز اعتراضات هم ایشان در همان خطبه‌های ۲۹ خرداد با وجود اینکه دم از قانون می‌زد بازهم علیرغم اینکه هنوز شورای نگهبان شکایت را بررسی نکرده و نظر خود را اعلام نکرده بود بر رأی ۲۴ میلیونی احمدی‌نژاد تاکید کرد و گفت: «خط انقلاب، چهل میلیون رأی دارد؛ نه بیست و چهارونیم میلیون که رأی به رئیس‌جمهور منتخب است. چهل میلیون به خط انقلاب رأی دادند». این حرف نشان داد علیرغم اینکه به معترضان می‌گوید باید اعتراض خود را از راه قانونی پیگیری کنید تا تظاهرات خیابانی اما در همان خطبه‌ها نیز پیشاپیش اعلام می‌کند که رأی احمدی‌نژاد همان ۲۴ میلیون است و علاوه بر این اعلام می‌کند که این نتایج تغییر نخواهد کرد و دستکاری نخواهد شد چون اعتماد مردم را از بین می‌برد: «دشمنان همین اعتماد مردم را هدف گرفته‌اند؛ دشمنان ملت ایران می‌خواهند همین اعتماد را درهم بشکنند. این اعتماد بزرگترین سرمایه جمهوری اسلامی است، می‌خواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند؛ می‌خواهند ایجاد شک کنند، ایجاد تردید کنند درباره

این انتخابات و این اعتمادی را که مردم کردند، تا این اعتماد را متزلزل کنند.

دشمنان ملت ایران می دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آنها این را می خواهند؛ هدف دشمن این است. می خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش بمراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بیایند در یک چنین حرکت عظیمی اینجور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را می خواهد.

این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوشها می خوانند، تکرار می کنند که بناست در انتخابات قلب بشود. می خواستند زمینه را آماده کنند. من آن وقت به دوستان خوبان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن می خواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگوئید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسئولانش، با عملکردش، با تلاشهای فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن می خواهد این اعتماد را بگیرد... خواستند کام شما را تلخ کنند و نگذارند بالاترین نصاب مشارکت جهانی را دنیا به نام شما ثبت کند. خواستند این کارها را بکنند؛ اما به نام شما ثبت شد. نمی شود آن را دستکاری کرد»

بنابراین شورای نگهبان نیز برفرض اینکه می خواست بی طرف باشد با وجود تکرار و تاکید ایشان از فردای انتخابات در مورد میزان آرا و نتایج آن دیگر راهی جز تایید نداشت چون جسارت رعایت قانون را که مقابله کردن با رهبر بود را ندارد.

قانون ستیزی رهبر:

حضرت امام خمینی(ره) در کتاب ولایت فقیه فرموده اند: «حکومت اسلام حکومت قانون و حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. همه افراد از رسول اکرم(ص) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون هستند». «حاکم در حقیقت قانون است و همه در امان قانونند». علیهذا قانون، خون جاری در رگ های نظام اسلامی است اما آیا در این سال ها قانون نقض نشده است؟ آیا توقیف یا لغو مجوز بیش از دویست نشریه در چندسال اخیر که بسیاری از آنها قبل

از محاکمه، توقیف شدند و یا در محاکمات آنها قانون نادیده گرفته شد (در صورت لزوم تمام موارد را با دلایل و مدارک اعلام خواهیم کرد) و نظرمقامات بلند پایه قضایی هم در بسیاری از این موارد نادیده گرفته شد قانون شکنی نبود و سزاوار اعتراض نیست؟ اگر لازم بدانید صدها مورد قانون شکنی آشکار و نقض گسترده حقوق شهروندان را با دلایل و مدارک ارائه خواهم داد که متأسفانه یک بار هم مورد اعتراض واقع نشده اند و اگر شده بود کار ما امروز به اینجا نمی رسید.

بازداشت های گسترده پس از اعلام نتایج انتخابات چه معنایی داشت؟ در حالی که بسیاری از شخصیت های برجسته کشور که التزام قلبی و عملی شان به کشور و نظام بیش از کسانی است که در ۴ سال اخیر نظام را با بحران روبرو کرده اند و جرمی جز تلاش برای افزایش مشارکت مردم نداشته اند دستگیر می شوند و در دستگیری آنها قانون حقوق شهروندی مصوب مجلس و شورای نگهبان زیر پا گذاشته می شود و افرادی که با یک احضاریه با پای خود به هر مرجعی می آمدند شبانه و سحرگاه برخلاف اصول ۳۲ و ۳۷ قانون اساسی و قانون حقوق شهروندی بازداشت می شوند که ممنوعیت قانونی دارد و باز هم برخلاف قانون به آنها چشم بند زده می شود تا توهین و تحقیر کنند آیا این رفتارهای قانون شکنانه سزاوار اعتراض نیست؟ چرا [آیت الله] آقای خامنه ای متعرض این بازداشت ها و خشونت ها و قتل ها و قانون شکنی های گسترده در جریان دستگیرها نشدند؟ چرا نام دهها تن از شهروندان عادی که بازداشت شده اند اعلام نمی گردید و اجازه وکیل داشتن که طبق اصل ۳۵ قانون اساسی و بند ۳ قانون حقوق شهروندی و ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت در سال ۱۳۷۰ که دادرسی بدون وکیل را باطل می داند و نیز طبق سایر قوانین، حق آنهاست به آنها داده نشد؟ آیا اینها قانون شکنی نیست؟

اعترافات:

در اعترافات افراد بازداشت شده، جملاتی با شباهت فراوان به سخنان زیر از [آیت الله] آقای خامنه ای به چشم می خورد: «ساز و کارهای قانونی انتخابات در کشور ما اجازه تقلب نمی دهد، این را هر کسی که دست اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات آگاه است، تصدیق می کند؛ آن هم در حد یازده میلیون تفاوت! یک وقت اختلاف بین دو رأی، صدهزار است، پانصد هزار است، یک میلیون است، حالا ممکن است آدم بگوید یک جوری تقلب کردند، جابه جا کردند؛ اما یازده میلیون را چه جور می شود تقلب کرد!». این شباهت حیرت انگیز نشان می دهد که هدف از بازداشت اصلاح طلبان این بود که آنان را در

شرایط زندان و شکنجه مجبور کنند اظهارات ایشان را در نماز جمعه تصدیق نمایند و این عملی باطل و گناه و مجرمانه است. هزار سال است فقهای شیعه اقرار در زندان و در شرایط خوف را باطل می دانند و قوانین رسمی کشور هم آن را بی اعتبار می داند اما در دوره زعامت [آیت الله] آقای خامنه ای بارها اشخاصی را به بند کشیده و اقراریر آنها را با هدف های سیاسی از رسانه متعلق به ملت بدون اذن ملت پخش کرده اند هر چند برخلاف شرع و قانون بوده است. در حوادث اخیر نیز عده ای از شخصیت ها و جوانان را به زندان برده و تحت شکنجه جسمی و یا شکنجه روحی قرار داده و از زندان به همراه مامور به بیدادگاه فرمایشی و خلاف شرع آوردند تا آنچه را به آنها دیکته شده بود در مورد پیوند با منافقین و بیگانگان و غیره بر زبان آورند. حال آنکه اگر خود جناب آقای خامنه ای را هم فقط یک هفته به همین سلول ها ببرند به مسائلی بیش از اینها اعتراف خواهند کرد.

تحریف واقعیات:

درخطبه های تاریخی ایشان با اشاره به جنایت هواداران ایشان در کوی دانشگاه به گونه ای سخن گفته نشده است که گویی هم آنها که مضروب و مجروح و کشته شدند بسیجی بودند و هم آنانکه کشته اند زیرا می گویند: «انسان دلش خون می-شود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه، جوانها، دانشجویها را- آن هم دانشجویهای مومن و حزب الهی را، نه آن شلوغ کن ها را- مورد تهاجم قرار بدهند، آنوقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون میشود از این حوادث». مضمون کلام هم این است که گویا اگر اگر به خانه دانشجویان حمله کرده و معترضان را می زدند اشکالی نداشت. آیا اطلاع ایشان از حادثه خونین کوی دانشگاه از منابع موثق بود؟ اگر از ماهیت مهاجمان اطلاع نداشتند به گزارش کمیته حقیقت یاب مجلس شورای اسلامی مراجعه می کردند تا معلوم شود در این چند روز معترضان به انتخابات اغتشاش و جنایت کردند یا مدافعان دولت کنونی و همان لباس شخصی هایی که سال هاست در کمال امنیت، امنیت را از مردم سلب کرده خشونت می آفرینند. همان کسانی که عضو شورای شهر را ترور می کنند و مجازات نمی شوند و کوی دانشگاه را در سال ۸۷ به خون کشیدند و تبرئه شدند.

شکستن حریم خصوصی مردم:

در حوادث اخیر گزارش های وافره ای واصل گردیده است مبنی براینکه اگر مردم از چنگ مهاجمان امنیتی یا لباس شخصی به خانه ای گریختند ماموران به آن خانه یورش برده و پناه بردگان و صاحبان خانه را با ضرب و شتم دستگیر کرده اند. همچنین در موارد بسیاری اتفاق افاده

است که به خانه کسانی که تنها پناه خود را الله اکبر گفتن بر بام خانه می دانستند حمله ور شده و با خشونت آنها را دستگیر کرده و با خود برده اند. از میان این خشونت ها ماجرای حمله به مجتمع مسکونی سبحان به صحن مجلس کشیده شد و کمیته حقیقت یاب مجلس گزارش تکان دهنده اش را منتشر کرد اما گوش شنوایی وجود نداشت. این حادثه غریبی است که روی بدترین جانیان را سفید کرده است زیرا خانه و حریم خصوصی مردم پناهگاه امن مردم بوده است اما ماموران استبداد می خواهند به مردم بگویند هیچ حریم امنی وجود ندارد و مردم حتی در خانه خودشان هم مرعوب باشند. این جرم در برابر چشمان دیگران صورت گرفت.

حرمت بیماران:

در شرع مقدس اسلام بر حرمت بیماران سفارش شده است به نحوی که حتی در جنگ با کفار نیز اگر بر مریضی دست یافتند مجاز به آسیب رساندن به او و اسارتش نیستند. این حکم از پیش از اسلام نیز وجود داشت و قاطبه شیعیان در هزار سال مرثیه خوانی اهل بیت عصمت و طهارات علیهم السلام کرارا از لسان اهل منبر و وعظ استماع فرموده اند که در دشت خونین کربلا هنگامی که سپاه یزید چنان جنایت و قساوتی در باب خانواده و اصحاب امام مظلوم روا داشتند اما هنگامی که به امام زین العابدین بیمار، چهارمین امام شیعیان، رسیدند هیچ صدمه ای به آن وجود مبارک نزدند اما در حوادث اخیر جهانیان شاهد بودند که چگونه سعید حجاریان را که به ضرب گلوله یکی از همین کودتاگران در چند سال پیش تا آستانه مرگ رفت و زنده ماندن او توأم بود با رنج معلولیت و بیماری و ناتوانی در راه رفتن و تکلم و نوشتن و ... و تحت مراقبت دائمی پزشکی بود به اسارت گرفته شد به نحوی احساسات برخی از موافقان کودتا را هم جریحه دار کرده بود. البته بیماران متعدد دیگری هم در میان بازداشت شدگان بودند.

بنابر آنچه تسطیر یافت مضاف بر تخلفات و مظالم گسترده سال های اخیر که باید مبسوطا در رساله شکواییه دیگری به آن پرداخت، مسئول اصلی بروز بی اعتمادی و درگیری و خشونت ها و کشتارها و زندان ها در انتخابات اخیر، شخص [آیت الله] آقای خامنه ای است و صلاحیت بقای در این مقام را ندارد.

مولا علی از ربوده شدن خلخال از پای یک زن یهودی گریست و فرمود اگر مسلمانی به خاطر این ستم در سایه حکومت اسلامی، بمیرد سزاوار است و امام خمینی(ره) این داستان را هم به عنوان نمونه دیگری از جلوه های الگوی حکومت اسلامی در سال ۵۷ ذکر کردند. (کوثر ج ۳ ص

علی هذا در برابر حوادث مولمه اخیره، همه حضرات مسئول و مکلف بوده و مجاز به غمض عین نیستند وگر نه شریک آن مظالم خواهند بود. ترس از قدرت و ترس از مخلوق شرک است و عذر مقبولی به درگاه حضرت حق نخواهد گردید.

همانطور که حضرات وقوف دارند در جریان مظالم سال های اخیر و خصوصا ماههای اخیر جناب [آیت الله] آقای خامنه ای شرایط مندرج در اصول پنجم و یکصد ونهم را از دست داده اند و مطاق اصل یکصد و یازده قانون اساسی جمهوری اسلامی خیرگان موظف به برکناری وی هستند و با توجه به اینکه چنین شخصی منعزل است هر نوع تعلل شما که منجر به ادامه وضع موجود و تبعات بعدی خواهد بود مسئولیت دنیوی و اخروی آن مستقیماً بر عهده شما خواهد بود.

جمعی از علما و فضلاء حوزه های علمیه قم، اصفهان و مشهد

۲۴ مرداد ۱۳۸۸

بیانیه جدید مجمع نمایندگان ادوار مجلس درباره وقایع اخیر

کرمان نما: مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی با صدور بیانیه ای جدید نظرات خود را درباره مسائل جاری کشور اعلام کرد.

متن کامل این بیانیه که نسخه ای از آن برای کرمان نما ارسال شده به شرح ذیل است:

باسمه تعالی

حرکت ملت بزرگ ایران در برابر دخالت های سازمان یافته و مصادره آرای مردم حرکتی خودش، درون زا، و میثقی برارزشهای ملی، اسلامی، و قانونی است. این جنبش بزرگ و فرا گیر به هیچ عنوان دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور را برنتافته. فرافکنی های مصادره کنندگان رأی مردم درمورد اثر پذیری حرکت های مردمی از بیگانگان را فاقد ارزش و اعتبار دانسته و آن را همچون بسیاری از اقدامات ضد قانونی؛ دروغی ساخته و پرداخته عوامل پشت پرده کودتای 22 به شمار می آورد. جنبش درون زای ملت ایران حرکتی در راستای تأمین منافع

ملی ؛ پا سخگو کردن قدرت و حاکمیت ؛ تأکید بررا بطه مسؤولیت و قدرت ،
و در پی به دست آوردن حق تعیین سرنوشت مبتنی بر قانون است .

مردم آگاه ایران با هوشیاری در مقابل مصادره رأی خود ؛ قانون شکنی ها ، دستگیری های غیر قانونی ؛ شکنجه های غیر انسانی ؛ رفتارهای زشت و ضد بشری و تجاوزهای بنیان بر باد ده ایستادگی کرده و محاکمه و مجازات عاملان این جنایات ضد بشری را با صدای بلند فریاد می کنند . و اینک یاد آوری چند نکته :

1- به رغم شعار های دامن گستر علائمی از برخی ارتباطات پنهانی و به دور از چشم ملت با برخی مقامات امریکایی وجود دارد. ملت ایران با دیده تیز بین مراقب رفتارها و مراوادات دول خارجی با دولت بوده و به هیچ عنوان قراردادهایی را که به دلیل ضعف پشتوانه داخلی با باج دهی به بیگانگان همراه باشد به رسمیت نخواهد شناخت و آنها را از درجه اعتبار ساقط می داند.

2 - مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت توجه به همه اصول قانون اساسی ، از جمله اصول مربوط به حقوق ملت ، و آزادی های قانونی ؛ نظارت بر کلیه نهادهای قدرت و پاسخگویی همه اجزای قدرت و حکومت از جمله رهبری در برابر مجلس خبرگان تأکید کرده و این را نشانه پشتیبانی از جمهوری اسلامی و قانون اساسی می داند . از تعطیل کردن قانون اساسی هیچ کس سود نخواهد برد.

3- از یاد نبریم که مردمی در روزهای انتخابات در شهر و روستا فریاد می زدند جمهوری اسلامی آزاد باید گردد این پیام مهم را به ما می دادند که با دخالت های سازمان یافته و اختیارات فرا قانونی و قانون شکنی های گسترده و قدرت های بدون مسؤولیت نظام جمهوری اسلامی در معرض تهدید و آسیب قرار گرفته است و بایستی جمهوری اسلامی را به جایگاه واقعی و مورد خواست ملت باز گردانید.

4- مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی پشتیبانی قاطع و بی دریغ خود را از جناب آقای مهندس موسوی که مظهر آرای ملت است و از جناب آیت الله کربوبی که قاطعانه در همراهی با مردم و در راه دفاع از حقوق عمومی خطر و تهدید را به جان خریده اند و از جناب آقای سید محمد خاتمی که الگوی اخلاق و مدارا و مدافع حقوق مردم است و در همراهی با مردم از هیچ گونه کوششی فرو گذار نکرده اند اعلام کرده و کوچکترین تعرضی به ساحت این بزرگوران و رهبران مورد قبول مردم را بر نمی تابد .

آیت الله هاشمی رفسنجانی که با موضع گیری های خردمندانه راه های برون رفت از بحران را در برابر حاکمیت قرار داد که متأسفانه با بی توجهی همراه شد از پشتیبانی و همراهی مجمع نمایندگان برخوردار خواهند بود . همه این بزرگواران از سرمایه های اجتماعی کشور بوده ونبایست به آسانی سرمایه های کشور را در معرض خطر و تهدید قرار داد .

5- با کمال ناباوری این روزها کسی گفته است که " اطاعت از احمدی نژاد اطاعت از خدا است " این گونه سخنان جز آسیب زدن به باورها و اعتقادات مردم نتیجه دیگری در بر ندارد . تا همین جای کار هم تزلزلی بنیان برافکن در باورها مردم پدیدار شده است . انتظار آن است که عالمان بزرگ دینی اجازه ندهند که همه اندوخته های دینی این گونه آسان قربانی قدرت طلبی شود و خود به نحو مناسب از تکرار این گونه سخنان که شاید بتوان گفت شرک آلود است جلوگیری کنند.

با امید پیروز و سربلندی ملت بزرگ ایران
مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی

جنبش اعتراضی در سعادت آباد

http://www.youtube.com/user/20071305#play/all/uploads-all/0/_IdBcysvpy0